

مرثیه‌ای برای کتاب

یادداشت

فرهاد توحیدی

فیلمنامه‌نویس و فعالون فرهنگی خانه سینما

مدت‌هاست بر کسی پوشیده نیست که بازار کتاب در حال احتضار است. اگر شرم نمی‌کردم، می‌نوشتم دراز به دراز رو به قبله افتاده‌ام! برای یافتن دلایل این مرگ خاموش بسیاری به تورم افسار گسیخته، مشکلات مالی خانوارها، حذف اقلام ضروری و غیرضروری از سبد خرید مردم، گرانی سرسام‌آور کتاب‌ها و... اشاره می‌کنند که به سهم خود درست و قانع کننده‌اند؛ اما اگر کمان کنیم این مشکل تنها مختص ایران است راه به خطا برده‌ایم.

در گزارش تازه‌ای که اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان به تازگی منتشر کرده است، آمده که آمار خرید کتاب در میان نوجوانان و جوانان آلمان به میزان ۳۰ درصد افت کرده است. نویسنده یا نویسندگان گزارش به دلایل این افت اشاره نکرده‌اند، اما



آن را زنگ خطری برای کشور ارزیابی کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود این آمار افت خرید کتاب، افزایش خواهد یافت. هر چه سهم سرانه خرید و مطالعه کتاب گاهشی می‌شود، سهم پرسه‌زنی در شبکه‌های اجتماعی و پرخوری مجازی رو به افزایش است. انقلاب دیجیتال، انسان را به سمت مطالعه شتابان در اقیانوس بی‌پایان ادبیات «فست‌فودی» و بدتر از آن مصرف تولیدات تصویری در دنیای مجازی هل داده است. آهستگی و درنگ که لازمه مطالعه هدفمند است مسخره و کسل‌کننده و حوصله سربرشمرده می‌شود. سقوط خاموش شمارگان در ایران هم به همین ترتیب آغاز شد. شمارگان‌های ۱۰ هزار، ۵ هزار، ۳ هزار و هزار نسخه اینک به ۳۰۰ و ۱۵۰ نسخه رسیده که برای کشوری ۹۰ میلیونی فاجعه‌بار است. برای فهم ملتی که کتاب نمی‌خواند بی‌تردید باید سراغ برخی ساختارهای آموزشی رفت و ریشه‌ها را آنجا جست.

برخی راهکارها

● نهادهای کسانی که در عرصه فرهنگ می‌کوشند، وظیفه‌ای همگانی بردوش دارند تا در میانه چنین کارزار نابرابری در قدر همت خویش از عمیق‌تر شدن شکاف بین مردم و جهان کتاب و نشر پیشگیری کنند. ● خانه سینما به عنوان جامعه اصناف سینما کم‌پا بیش حدود دو دهه است که با فهم این ضرورت به برگزاری مراسم اهدای جایزه کتاب سال سینما همت گماشته است. اینکه مداومت این نهاد در پیگیری هدف اهمیت نشر ادبیات سینمایی تا چه میزان بر اقبال سینماگران و سینمادوستان از یک سو و اقبال ناشران به چاپ کتاب‌های سینمایی از سوی دیگرافزوده است، نیازمند مطالعه‌ای علمی بر پایه آمارسنجی است. ● مراسم اهدای جوایز نهمین دوره جایزه کتاب سال سینما را در ۲۹ تیر ۱۴۰۵ با آرزوی رونق هر چه بیشتر چاپ و نشر ادبیات سینمایی برگزار کردیم و امیدواریم این آرزو هم چون جوانان بر ما بی‌عیب باشد!

در شرایط فعلی و با توجه به امکانات موجود، جایزه کتاب سال سینمایی چه ظرفیتی برای ارتقای نظری سینمای ایران دارد و برای برگزاری مؤثرتر این جایزه در دوره‌های آینده چه ایده‌های تازه‌ای دارید؟

ظرفیت اصلی این جایزه، ایجاد «اعتبار و انگیزه» برای تولید متون نظری در سینمایی است که به‌شدت تحت تأثیر تولیدات تصویری است. ما با استانداردسازی نقد کتاب، به ارتقای سطح دانش مکتوب کمک می‌کنیم. اما برای دوره‌های آینده، معتمد باید از «متن» به سمت «عمل» حرکت کنیم. ایده اصلی من، ایجاد «پیوند مستقیم میان کتاب‌های برگزیده و دانشنده‌های سینمایی/صنوف» است؛ به گونه‌ای که این آثار صرفاً در قفسه‌ها نمانند و به سرفصل‌های آموزشی یا کارگاه‌های تخصصی خانه سینما تبدیل شوند. همچنین، تقویت بخش «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای» و استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای دسترسی ارزان‌تر علاقه‌مندان به این منابع، از ضرورت‌های ما برای «مؤثرتر بودن» در آینده است. بنابراین هدف ما این است که جایزه کتاب سال، به موتور محرک جریان «پژوهش قبل از تولید» در سینمای ایران تبدیل شود.

یکی از بحث‌های همیشگی در سینمای ایران، موضوع اقتباس ادبی است. با وجود ظرفیت رمان و داستان کوتاه معاصرمان، چرا سینمای ما هنوز آن‌طور که باید از این ظرفیت استفاده نکرده است؟ این جایزه تا چه اندازه می‌توانسته حضور کتاب، بویژه ادبیات داستانی، را در فضای سینمای ایران تقویت و به شکل‌گیری اقتباس‌های ادبی کمک کند؟

موضوع اقتباس در سینمای ما همیشه به یک «ترس دوسویه» همراه بوده است؛ ترس فیلمساز از محدود شدن قابلیت در چارچوب متن و ترس نویسنده از آسیب دیدن جهان داستانش. جایزه کتاب سال سینمایی، اگرچه مستقیماً به ادبیات داستانی نمی‌پردازد، اما با ترویج حال شکستن این سد است. ما معتقدیم تا زمانی که «کتاب» در سبد مصرفی روزانه سینماگر نباشد، اقتباس شکل نمی‌گیرد. انقلاب جایزه با معرفی آثار نظری اقتباس و باخوانی چهره‌های تاریخ سینما، به فیلمسازان یادآوری می‌کند که ریشه‌های موفقیت سینمای جهان در پیوند با ادبیات بوده است. در واقع، ما با تقویت اسود سینمایی مکتوب»، ذهن فیلمساز را برای پذیرش و درک زبان ادبیات آماده می‌کنیم. هدف ما این است که خانه سینما را به نقطه تلاقی «جهان متن» و «جهان تصویر» تبدیل کنیم تا اقتباس، نه یک انتخاب اتفاقی، بلکه یک ضرورت ساختاری در تولیدات ما شود.

داوران با انتخاب این آثار در پی چند هدف بود: اول، ثبت تجربه‌های زیسته چهره‌های اثرگذار؛ دوم، بررسی موانع تاریخی (مانند مسأله سانسور در کتاب فرخ غفاری)؛ و سوم، تاریخ شفاهی بزرگان. این کتاب‌ها صرفاً زندگینامه نیستند، بلکه «اسناد تحلیل تاریخ اجتماعی و هنری» ما محسوب می‌شوند. ما معتقدیم تکریم تألیفاتی که به حافظه تاریخی سینمای ایران عمق می‌بخشند، یکی از وظایف اصلی کتاب سال سینمایی است تا نسل جدید فیلمسازان با ریشه‌های خود پیوندی تئوریک برقرار کنند.

در بخش ترجمه، نام وارن باکلند با دو کتاب («روایت و روایتگری در سینما» و «فیلم‌های پازلی») تکرار شده و در بخش تألیف و ترجمه نیز نام محمد شهباز هم به عنوان نویسنده «کتاب ژانر سینما» و هم مترجم «فیلم‌های پازلی» دیده می‌شود. این تکرار نام‌ها را باید نشانه‌ای از محدود بودن دایره کاری فعالان این حوزه دانست یا دلیل دیگری دارد؟

به نظر نمی‌آید این تکرار را صرفاً نشانه محدود بودن دایره فعالان دانست؛ بلکه این موضوع را باید از دو منظر مثبت تحلیل کرد: اول، «تخصص‌گرایی»؛ حضور اساتیدی چون دکتر محمد شهباز نشان‌دهنده آن است که ما در حوزه‌هایی نظیر «ژانر» یا «روایت‌شناسی» به استانداردهای علمی بالایی رسیده‌ایم که داوران نمی‌توانند از کنار کیفیت آنها به سادگی عبور کنند. دوم، «جریان‌شناسی نشر»؛ تکرار نام نویسنده‌ای مثل «وارن باکلند» که نشان‌دهنده هوشمندی مترجمان و ناشران ما در شناسایی خلأهای تئوریک (مثل سینمای مدرن و فیلم‌های پازلی) است. این تکرارها در واقع نشان‌دهنده تمرکز آگاهانه جامعه پژوهشی بر موضوعات کلیدی و مورد نیاز امروز سینمای ایران است، نه لزوماً کمبود پژوهشگر. ما در عین استقبال از چهره‌های تازه‌نفس، نمی‌توانیم برتری کیفی آثار پیشگسوتان و متخصصان امتحان‌پس‌داده را نادیده بگیریم.

در میان نامزدهای بخش تألیف، چند کتاب به بازخوانی چهره‌ها و مقاطع مهم تاریخ سینمای ایران اختصاص دارد: از «دانشنامه آثار بیضایی» گرفته تا «کامران شیردل: تنها در قاف»، «گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری» و «آقای سانسوریت» درباره سعید مطلبی. این توجه بهیات داوران بنابرچه ضرورتی بوده است؟

در تحلیل این انتخاب‌ها باید به همان اصل نسبی بودن نگاه به تاریخ رجوع کرد. ضرورت این توجه، نیاز مبرم ما به «بازخوانی هویت‌مند» تاریخ سینمای ایران است. ما نمی‌توانیم بدون فهم گذشته، آینده‌ای برای سینمای کشورمان ترسیم کنیم. هیات

برگزیدگان نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران

روایت، روایتگری و عوامل روایی هم در سینما و هم در مطالعه سینما نقشی مهم دارند.

بخش فنی: «طراحی صدا برای فیلم» نوشته تیم هریسون، با ترجمه مرتضی دهنوی از انتشارات سروش موفق به کسب عنوان برگزیده در این بخش شد. این کتاب به بررسی جایگاه و نقش صدا به عنوان ابزاری قدرتمند در روایت فیلم پرداخته است. نویسنده با بهره‌گیری از تجربه گسترده خود به عنوان طراح صدا، آهنگساز و فیلم‌ساز، به فرآیندهای خلاقانه و تکنیک‌های معاصر در حوزه طراحی صدا می‌پردازد.

از نشریان نیز به عنوان ناشر برگزیده سال کتاب‌های سینمایی در نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران تجلیل شد. بنابراین برگزارکنندگان این مراسم، در این دوره تعداد ۱۰۰ جلد از کتاب‌های برگزیده و ۵۰ جلد از کتاب‌های معرفی شده در بخش نامزدهای نهایی جایزه، در همکاری مشترک خانه سینما با سازمان سینمایی خریداری خواهد شد.

بخشی جنبی این جایزه به برگزاری پنج روزه نمایشگاه فروش و عرضه کتاب‌های تخصصی سینمایی در خانه سینما اختصاص داشت. در این نمایشگاه ناشران کتاب‌های تخصصی سینما، تازه‌ترین آثار خود را عرضه کردند. گفتنی است که رامین شهبازی، دبیری علمی و ناشرین معظم، شهاب‌الدین عادل، شه‌ادهر راستین، مهرداد دانش، امیررضا نوری پرتو نیز داوروی نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران را به عهده داشتند.

و تاووم مسیرپیشین بود؛ اما برای پویایی بیشتر، تغییراتی راهبردی اعمال کردیم. مهم‌ترین تفاوت این دوره، توجه ویژه به «کتاب‌های فنی و کاربردی» است. برای جلوگیری از اجحاف در حق این آثار و با هدف توجه به نیازهای تخصصی صنوف خانه سینما، یک جایزه مجزا برای کتاب‌های فنی اضافه کردیم تا دانش مهارتی سینما نیز در کنار مباحث نظری دیده شود. طبیعتاً امسال به دلیل انباشت آثار و حجم بالای کتاب‌های رسیده در دو بخش تألیف و ترجمه، فرآیند داوری بسیار دشوارتر و حساس‌تر از دوره‌های قبل بود، اما همین استقبال، نشان‌دهنده زنده بودن جریان نشر سینمایی است.

سطح کمی و کیفی آثار رسیده به دبیرخانه را در این دوره در مقایسه با سال‌های گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا عناوین و محتوای آثار تألیفی و ترجمه‌شده گویای برقراری پیوندی اصولی با نیازهای سینمای ایران هستند یا هنوز با سطح مطلوب فاصله داریم؟

به لحاظ کمی، شاهد رشد قابل توجهی بودیم که با وجود دشوارتر کردن فرآیند داوری، نشانه پویایی این حوزه است. از نظر کیفی، ترجمه‌ها به‌روزتر و تألیف‌ها به سمت تحلیل‌های عمیق‌تر حرکت کرده‌اند. اما ارزیابی دقیق‌تر و سیستمی این آثار نشان می‌دهد که هنوز توازن میان تولید اندیشه بومی (تألیف) و ترجمه برقرار نیست و ما همچنان بیشتر مصرف‌کننده نظریات جهانی هستیم. پیوند میان کتاب و نیازهای سینمای ایران نیز امری نسبی است؛ با وجود اینکه کتاب‌ها تخصصی‌تر و فنی‌تر شده‌اند، اما تا زمانی که ساختار تولید در سینمای ما از تجربه‌گرایی صرف به سمت «پژوهش‌محوری» تغییر نکند، این آثار بیشتر در کتابخانه‌ها می‌مانند تا روی صحنه فیلمبرداری. با این حال، رویکرد ما در این دوره برای ارج نهادن به کتب فنی، تلاشی آگاهانه برای کاهش همین فاصله و کاربردی کردن دانش سینمایی بود.

در میان نامزدهای بخش تألیف، چند کتاب به بازخوانی چهره‌ها و مقاطع مهم تاریخ سینمای ایران اختصاص دارد: از «دانشنامه آثار بیضایی» گرفته تا «کامران شیردل: تنها در قاف»، «گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری» و «آقای سانسوریت» درباره سعید مطلبی. این توجه بهیات داوران بنابرچه ضرورتی بوده است؟

در تحلیل این انتخاب‌ها باید به همان اصل نسبی بودن نگاه به تاریخ رجوع کرد. ضرورت این توجه، نیاز مبرم ما به «بازخوانی هویت‌مند» تاریخ سینمای ایران است. ما نمی‌توانیم بدون فهم گذشته، آینده‌ای برای سینمای کشورمان ترسیم کنیم. هیات



که می‌کوشد کتاب را از حاشیه به متن مناسبات سینمایی بازگرداند و نسبت میان پژوهش، آموزش و تولید را دوباره به جریان بیاورد. رامین شهبازی، دبیر علمی نهمین دوره جایزه و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره، در این گفت‌وگو با اشاره به احیای جایزه کتاب سال سینمایی پس از چند سال تعطیلی، از ضرورت پیوند دوباره کتاب با آموزش و تولید سینما، توجه به آثار فنی و کاربردی و نقش مطالعه و پژوهش در عبور سینمای ایران از تجربه‌گرایی صرف می‌گوید.

در سینمای ایران، فاصله ساخت فیلم و تولید فکر، سال‌هاست به یکی از شکاف‌های کمتر دیده‌شده اما تعیین‌کننده بدل شده است؛ شکافی که به باور بسیاری، بدون تقویت پشتوانه مکتوب سینما پر نمی‌شود. نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران در چنین بستری برگزار شد؛ رویدادی

سال‌هاست منتقدان از تعامل کم‌رنگ اهالی کتاب و سینما در کشورمان سخن می‌گویند. این گلابه تا چه اندازه در شکل‌گیری جایزه کتاب سال سینمایی و تداوم برگزاری آن نقش داشته و اصولاً این جایزه با چه هدف و بنابر چه ضرورتی شکل گرفت؟

پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که در حوزه فرهنگ و هنر، مفاهیم اغلب نسبی هستند. اینکه بگوییم تعامل اهالی کتاب و سینما کاملاً کم‌رنگ شده، شاید نگاهی قطعی و صلب باشد؛ چرا که همواره جرقه‌هایی از این همکاری وجود داشته است. اما اگر بخواهیم واقع‌بینانه نگاه کنیم، این رابطه در دهه‌های اخیر دچار نوعی گسست نسبی شده بود که توازن میان «تولید تصویر» و «تولید اندیشه» را برهم می‌زد. جایزه کتاب سال سینمای ایران دقیقاً با درک همین ضرورت و برای پاسخ به این خلأ شکل گرفت.

هدف اصلی ما در این جایزه، نه صرفاً یک مراسم تشریفاتی، بلکه ایجاد انگیزه‌ای برای تعمیق زیرساخت‌های نظری سینماست. ما معتقدیم سینمای ما برای رشد، به همان اندازه که به دوربین و تکنولوژی نیاز دارد، به «متن» و «پژوهش» هم نیازمند است. تمرکز و اولویت اصلی ما بر دو حوزه بنیادین «تألیف» و «ترجمه» است. ما براین باوریم که از طریق تألیفات بومی می‌توان به شناخت دقیق‌تری از سینمای ایران رسید و از طریق ترجمه‌های دقیق، می‌توان از دانش و نظریات روز سینمای جهان بهره‌مند شد.

در مورد تداوم این مسیر هم باید به یک مقطع حساس اشاره کنم؛ متأسفانه این جایزه برای چندین سال تعطیل بود و این وقفه، آسیب‌های خود را به بدنه پژوهشی سینما وارد کرد. اما خوشبختانه بعد از چند سال تعطیلی، با همت و پیگیری‌های ویژه جناب آقای همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما و جناب آقای فرهاد توحیدی، معاون فرهنگی خانه سینما، این جایزه دوباره راه افتاد و احیا شد. برگزاری نهمین دوره این جایزه، در حقیقت استمرار همان نگاهی است که می‌کوشد پیوند میان کتاب و سینما را از یک رابطه حاشیه‌ای به یک ضرورت ساختاری تبدیل کند.

مهم‌ترین دستاورد برگزاری جایزه کتاب سال سینمایی تا امروز چه بوده؟ آیا می‌توان گفت این رویداد از یک برنامه صرفاً تقدیری، به بستری برای ارزیابی و بررسی نقاط قوت و ضعف کتاب‌های سینمایی تبدیل شده است؟ اگر بخواهم بدون اغراق از مهم‌ترین

گروه با جایزه، از دو جنس متفاوت بوده است. اگر بخواهم صادقانه ارزیابی کنم، باید بگویم این جایزه در جلب و جذب «اهالی کتاب و پژوهشگران سینمایی» موفقیت چشمگیرتر و ملموس‌تری داشته است. برای نویسندگان، مترجمان و ناشران تخصصی، این رویداد به یک «میدانگاه» و تنها مرجع تخصصی برای دیده شدن تلاش‌های‌شان تبدیل شده است. امروز نویسنده‌ای که یک سال وقت خود را صرف تألیف یک اثر نظری یا ترجمه یک کتاب مرجع می‌کند، می‌داند نهادهای وجود دارد که این مساعی را به صورت علمی رصد می‌کنند. این باعث شده که «صنف اندیشه» در سینما، خودش را بخشی جدایی‌ناپذیر از خانه سینما حس کند.

اما در مورد «سینماگران» (منظورم بدنه اجرایی و تولید سینماست) ما با یک فرآیند تدریجی و نسبی روبه‌رو هستیم. سینمای ما به دلیل ماهیت صنعتی و تولیدمحورش، گاهی از فضای نظری فاصله می‌گیرد. با این حال، دستاورد ما در این بخش این بوده که توانسته‌ایم «ضرورت داشتن کتابخانه تخصصی» را به رخ بدنه اجرایی بکشیم. امروز فیلمسازانی که می‌خواهند در ژانری خاص کار کنند یا بازیگری که به دنبال متدهای نوین است، پیش از گذشته به خروجی‌های این جایزه (یعنی همان کتاب‌های برگزیده و شایسته تقدیر) به عنوان منابع معتبر رجوع می‌کنند. بنابراین، اگر بپرسید کدام گروه موفق‌تر جذب شده‌اند، پاسخ من قطعاً پدیدآورندگان کتاب (مؤلفان و مترجمان) هستند؛ چرا که این جایزه به آنها هویت صنفی و انگیزه استمرار داده است. اما در لایه دوم، ما شاهد یک «تغییر ذائقه» در میان سینماگران هستیم؛ آنها شاید کمتر در جلسات نقد کتاب شرکت کنند، اما متوجه شده‌اند که غنای آثارشان در گرو تعامل با همین کتاب‌هایی است که در این جایزه معرفی می‌شوند. در واقع، این جایزه توانسته به اهالی سینما یادآوری کند که اگر قرار است سینمای ما از سطح به عمق برود، مسیرش حتماً از راهروی این کتاب‌ها می‌گذرد. این «تفهیم ضرورت»، بزرگ‌ترین دستاورد ما در جلب نظر سینماگران بوده است، حتی اگر این استقبال هنوز با ایده‌آل‌های ما فاصله داشته باشد.

جایزه کتاب سال سینمایی در نهمین دوره چه رویکردی را دنبال کرده و چه تفاوت‌هایی با دوره‌های گذشته دارد؟

در دوره هشتم، رویکرد اصلی ما حفظ سنت‌های ارزشمند دوره‌های گذشته

دستاورد این جایزه یاد کنم، باید به «ایجاد یک دیده‌بانی دقیق و سالانه در حوزه ادبیات سینمایی» اشاره کنم. پیش از این، آثار مکتوب سینمایی در میان انبوه کتاب‌های دیگر را در هیاهوی تولیدات تصویری سینما، تا حد زیادی گم می‌شدند. اما این توجه توانسته بستری فراهم کند تا تمام بضاعت مکتوب سینمای ایران در طول یک سال، به شکلی متمرکز دیده و رصد شود.

در پاسخ به بخش دوم سؤال شما، بله؛ ما تمام تلاش خود را به کار بسته‌ایم تا از سطح یک «آیین تجلیل» فراتر برویم. مهم‌ترین نشانه این تغییر رویکرد، در فرآیند داوری‌ها نهفته است. وقتی تیمی از متخصصان و پیشگسوتان، آثار را در دو حوزه تألیف و ترجمه بررسی می‌کنند، در واقع در حال استخراج یک «نقشه راه» برای نشر سینمایی هستند. از جمله دستاوردهای مثبت و واقعی این رویداد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **ارتقای استانداردهای نشر:** ناشران تخصصی سینما اکنون می‌دانند که آثارشان توسط یک نهاد صنفی و تخصصی (خانه سینما) با دقت نقد و بررسی می‌شود؛ این موضوع به مرور منجر به دقت بیشتر در انتخاب مترجم، ویراستاری تخصصی و کیفیت چاپ شده است.

۲. **شناسایی خلأهای پژوهشی:** یکی از دستاوردهای مهم ما این است که متوجه می‌شویم در چه حوزه‌هایی با فقر تألیف روبه‌رو هستیم و در چه بخش‌هایی (مثلاً ترجمه نظریه‌های مدرن) پیشرفت داشته‌ایم. این ارزیابی، به نوعی به پژوهشگران و مترجمان جهت می‌دهد.

۳. **اعتباربخشی به نویسندگان و مترجمان:** این جایزه توانسته به شکلی واقع‌بینانه، جایگاه کسانی که در سکوت و به دور از جنجال‌های صحنه سینما به تولید اندیشه مشغول‌اند را در خانواده بزرگ سینمای ایران تثبیت کند.

بنابراین، این رویداد اکنون بیش از آنکه یک جشن باشد، یک «ایستگاه بازنگری» است تا ببینیم اندیشه سینمایی ما نسبت به سال قبل چه گامی به جلو برداشته و در چه نقاطی هنوز نیاز به کار و تعمق بیشتر دارد.